



**زمان و سرمدیت**  
**جستاری در فلسفهٔ دین**

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾

حجرات (۴۹)، ۱۳



- سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
فروست  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
یادداشت  
عنوان اصلی  
موضوع  
شناسه افزوده  
شناسه افزوده  
شناسه افزوده  
رده بندی کنگره  
رده بندی دیویی  
شماره کتابشناسی ملی
- استیس، والتر ترنس، ۱۸۸۶ - ۱۹۶۷ م  
زمان و سرمدیت: جستاری در فلسفه دین/  
والتر ترنس استیس؛ احمدرضا جلیلی  
قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸  
: ۲۴۸ ص.  
انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب؛ ۵۸  
: ۹-۵۲-۸۰۹۰-۹۶۴-۹۷۸  
: فیبا.  
چاپ سوم، زمستان ۱۴۰۲  
:  
Time and Eternity: An Essay in Philosophy of Religion, ۱۹۶۹  
: دین-فلسفه  
: جلیلی، احمدرضا، ۱۳۳۹-، مترجم.  
: دانشگاه ادیان و مذاهب. معاونت پژوهشی.  
: دانشگاه ادیان و مذاهب.  
: ۵۱/الف/BL  
: ۲۱۰  
: ۱۷۰۸۸۸۱

# زمان و سرمدیت جستاری در فلسفه دین

والتر ترنس استیس

احمد رضا جلیلی



آشانتی انکشاف ادیان مذہب  
معاونت پژوهش

۱۴۰۲



قم، پردیسان، رویه‌روی مسجد امام صادق (علیه السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.

تلفن: ۱۳-۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۱۰ ، ۰۲۵-۳۲۸۰۳۱۷۱ ، ۰۲۵-۳۲۸۰۶۶۵۲

تلفکس مرکز بخش و فروش: ۰۲۵-۳۲۸۰۶۶۵۲

@Libadyan

فروشگاه اینترنتی:

@ketabsara\_adyan

www.Adyanpub.com

## زمان و سرمدیت (جستاری در فلسفه دین)

- نویسنده‌گان: والتر ترنس استیس
- مترجم: احمد رضا جلیلی
- ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- نوبت چاپ: سوم، زمستان ۱۴۰۲
- طراح: مهدی محمدی شجاعی، شهرام بردبار
- چاپ: موسسه بوستان کتاب
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- مرجع قیمت: وب‌سایت رسمی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۹۰-۵۲-۹

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

### به نام خداوند جان و خرد

کتاب زمان و سرمدیت نوشته والتر ترنس استیس، در میان آثار خود وی و هم در مجموعه آثار حوزه فلسفه دین، یکی از عمیق‌ترین و در عین حال، ناشناخته‌ترین و مجهول‌القدرترین آثار است.

استیس، در این کتاب، به دشوارترین مسئله فلسفه دین یعنی مسئله ناسازگاری دعاوی دینی، و به خصوص دعاوی دینی راجع به خدا، با یافته‌های عقل آدمی عطف توجه می‌کند. وی، از سویی نمی‌تواند این ناسازگاری را نپذیرد؛ از سوی دیگر، نمی‌تواند به یافته‌های عقل بی‌اعتنایی ورزد و آنها را به هیچ انگارد، و باز، از سوی مردم، نمی‌تواند دعاوی دینی را نیز، به صرف معارضه با احکام عقل، تخطئه و طرد و نفی کند. از این رو، در طی فصول کتاب، جای‌جای هم‌آرای کسانی را رد می‌کند که تعارض دین و عقل را قبول ندارند، هم‌آرای کسانی را که به ذم و تحقیر عقل پرداخته‌اند، و هم‌آرای کسانی را که همان ذم و تحقیر را متوجه دین کرده‌اند؛ والحق، در مقام ردّ آرای این سه دسته، ژرف‌نگری و تیزبینی، قدرت تفکر، و انصاف علمی را به حد کمال رسانده است. آنگاه، او مانده است و دو اثر مطلوب، که با هم ناسازگارند و خود وی، در عین حال، به هر دو دل بسته است و جانب هر دو را عزیز می‌دارد.

راه‌حلی که برای پاسداشت خاطر این دو معشوق ناسازگار، به نظر استتیس رسیده است، و وجه بداعت و نوبودگی اثر او نیز همان است، این است که دار وجود را به دو ساحت تقسیم کند، یکی ساحت امور زمانی و دیگری ساحت امور بلازمان، و سپس یافته‌های عقل آدمی را ناظر به ساحت امور زمانی و داده‌های دین را ناظر به ساحت امور بلازمان قلمداد کند؛ یعنی هر یک از این دو معشوق را در حجره‌ای بنشانند و در آن حجره حکم او را روابدانند. و باید گفت که این کار، که اگرچه با الهام از آراء و انظار عارفان همه اعصار و قرون صورت گرفته است، به هیچ‌وجه از جنبه‌های ابتکاری و بدیع خالی نیست و از همه علم، قدرت تفکر، و تجربه فلسفی وی سود جسته است.

اینجا مجال سخن گفتن در باب چند و چون تأثیرپذیری استتیس از پیشینیان خود، چند و چون تأثیرگذاری او در پسینیان خود، و نیز نقاط قوت و ضعف رأی او، در این کتاب نیست. فقط تذکر این نکته بجاست که این رأی، علاوه بر حوزه فلسفه دین، در حوزه‌های فلسفه عرفان، مابعدالطبیعه، معرفت‌شناسی و فلسفه زبان نیز لوازم و تبعاتی خواهد داشت، که توجه به آنها چه بسا افق‌های جدیدی پیش‌اروی خواننده علاقه‌مند بگشاید.

دانشگاه ادیان و مذاهب خوش‌وقت و مفتخر است که این اثر را در جامعه زبان فارسی به علاقه‌مندان به فلسفه دین و آرای فلسفی استتیس تقدیم کند و در همین جا از زحمات فراوان جناب آقای احمدرضا جلیلی، مترجم محترم و نیز استاد فرزانه جناب آقای مصطفی ملکیان، که سراسر این اثر از نگاه دقیق و تیزبین ایشان گذشته، سپاسگزاری می‌کند. والسلام.

**معاونت پژوهشی دانشگاه ادیان و مذاهب**

## فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم .....	۹
دیباچه .....	۱۵
فصل اول: ماهیت دین .....	۱۹
فصل دوم: الاهیات سلبی .....	۲۹
فصل سوم: تفسیر الاهیات سلبی .....	۵۷
فصل چهارم: الاهیات ثبوتی .....	۸۷
فصل پنجم: زمان و سرمدیت (لازمانی) .....	۱۱۳
فصل ششم: نمادپردازی دینی .....	۱۴۳
فصل هفتم: حقیقت، واقعیت، توهم .....	۱۷۵
فصل هشتم: ساحت الاهی .....	۲۰۳
فصل نهم: عرفان و منطق .....	۲۲۷
نمایه .....	۲۴۵





## پیشگفتار مترجم

والتر تیرنس استیس،<sup>۱</sup> فیلسوف تجربه باور انگلیسی - آمریکایی، در ۱۷ نوامبر ۱۸۸۶ در لندن چشم به جهان گشود و در دامان خانواده‌ای نظامی پرورش یافت. جد او ژنرال ویلیام استیس<sup>۲</sup> در جنگ واترلو<sup>۳</sup> خدمت می‌کرد و انتظار می‌رفت که استیس نیز مانند پدر و برادرش به کسوت نظامیان درآید، اما وی که علاقه چندانی به کار نظامی نداشت، در نوجوانی برای خود کیشی اختیار کرد و تحصیلات متوسطه خود را در ادینبورگ گذراند و سپس به دانشکده ترینیتی<sup>۴</sup> دوبلین راه یافت. در این دانشکده عمدتاً تحت تأثیر هنری اس. مکرن<sup>۵</sup> به فلسفه نظام‌مند در سنت هگلی علاقه‌مند شد. وی تحصیلات خود را در دانشکده ترینیتی به سال ۱۹۰۸ به پایان رسانید و در اثر فشار خانوادگی به دستگاه دولتی انگلستان وارد شد و دیری نپایید که به همراه همسر اول خود آدلاید<sup>۶</sup> که به نحو بارزی از خود او مسن‌تر بود، به سیلان سفر کرد و از ۱۹۱۰ تا ۱۹۳۲ به خدمت در دستگاه اداری سیلان و در مناصب گوناگونی، از جمله قاضی دادگاه بخش، قاضی بخش نگومبو، عضو شورای اجرایی فرمانداری،

---

1. Walter Terence Stace

3. Battle of Waterloo

5. Henry S. Macren

2. General William Stace

4. Trinity College

6. Adelaide

شهردار کلمبو و رئیس شورای شهر کلمبو به کار مشغول شد. به یاد او و به پاس خدمات ارزنده‌اش در سیلان، در شهر کلمبو هم‌اکنون خیابانی به نام Stace Street وجود دارد.

در طی دهه دوم خدمت خود در این مستعمره با همسر اول خود (که در آن ایام به لندن بازگشته بود) متارکه و با بلانچ یون<sup>۱</sup> ازدواج کرد. در این دوران، در کنار کارهای اداری اوقاتی را صرف مطالعه، تحقیق و تفکر در فلسفه می‌کرد. عادت مألوف او این بود که هر روز صبح زود رأس ساعت ۶ از خواب برمی‌خاست و پس از صرف فنجان چای به مدت ۲ ساعت به مطالعه می‌پرداخت و سپس سر ساعت ۸ بر سر میز صبحانه می‌نشست. نگارش و انتشار کتاب‌های عمده تاریخ انتقادی فلسفه یونان<sup>۲</sup> (لندن، ۱۹۲۰)، فلسفه هگل<sup>۳</sup> (لندن، ۱۹۲۴) و معنای زیبایی<sup>۴</sup> (۱۹۲۹)، نظریه شناخت و وجود<sup>۵</sup> (آکسفورد، ۱۹۳۲) و مفهوم اخلاق<sup>۶</sup> (نیویورک، ۱۹۳۷) ثمرات تلاش‌های فکری او در این دوران بود. علاقه او به اندیشه‌های کلامی، فلسفی و عرفانی شرقی در همین دوران شکل گرفت و همین علاقه در مسیر تحول اندیشه فلسفی - کلامی او تأثیر شگرفی گذاشت به گونه‌ای که می‌توان تألیف و نگارش کتاب‌های عرفان و فلسفه<sup>۷</sup> (نیویورک، ۱۹۶۱)، دین و نگرش نوین<sup>۸</sup> (نیویورک، ۱۹۵۲)، زمان و سرمدیت<sup>۹</sup> (پرینستون، ۱۹۵۲) و تعالیم عارفان<sup>۱۰</sup> (۱۹۶۰) را عمدتاً ثمره این تأثیرپذیری برشمرد.

در ۱۹۳۲ از خدمت اداری در دستگاه دولتی انگلستان کناره‌گرفت تا کار در دانشگاه را پیشه خود سازد. وی که تا آن زمان با انتشار آثار قلمی

1. Blanch Beven

2. *A Critical History of Greek Philosophy*

3. *The Philosophy of Hegel*

4. *The Meaning of Beauty*

5. *The Theory of Knowledge and Existence*

6. *The Concept of Morals*

7. *Mysticism and Philosophy*

8. *Religion and the Modern Mind*

9. *Time and Eternity*

10. *The Teachings of the Mystics*

خود شهرتی به هم زده بود، در چندین دانشگاه در انگلستان و آمریکا متقاضی کرسی استادی شد و سرانجام دعوت رئیس وقت دانشگاه پرینستون آقای هیبن<sup>۱</sup> را که خود اهل فلسفه بود و مجذوب شخصیت علمی او شده بود، پذیرفت و تدریس فلسفه را در این دانشگاه آغاز کرد. در ۱۹۳۵ در همین دانشگاه از دانشیاری به مقام استادی در فلسفه ارتقاء یافت و در ۱۹۴۹ ریاست انجمن فلسفه آمریکا را بر عهده گرفت و کرسی استادی را در این دانشگاه تا زمان بازنشستگی اش به سال ۱۹۵۵ به مدت ۲۰ سال در اختیار داشت و پس از آن نیز تا اواخر عمر پربار خود به فعالیت‌های علمی ادامه داد و بیشتر اوقات خود را صرف تحقیق و تألیف کتاب‌ها و مقالات فراوان کرد.

علاوه بر کتاب‌هایی که ذکر آن گذشت، استیس بیش از بیست مقاله بسیار عمیق و عالمانه نوشته شده دارد که می‌توان به برخی از مهم‌ترین آنها، از جمله «انسان بر ضد ظلمت»،<sup>۲</sup> «اثبات‌گرایی»،<sup>۳</sup> «پاره‌ای از سوء برداشت‌ها از تجربه‌باوری»<sup>۴</sup> و «ابطال رئالیسم»<sup>۵</sup> اشاره کرد.

از میان آثار ارزنده استیس، دو کتاب، یکی به دریافت جایزه شوری انجمن‌های فرهیختگان آمریکا<sup>۶</sup> و دیگری به جایزه رینولد و هیچکاک<sup>۷</sup> نایل آمده است. همچنین مجموعه اشعاری در حجم یک کتاب دارد. همه آثار ارزنده اش نشان از ژرف‌اندیشی و علاقه او به مسائل علمی، فلسفی، کلامی، ادبیات، شعر، هنر، سیاست و حتی مسائل جاری روز و بین‌المللی دارد.

\*\*\*

---

1. President Hibben of Princeton  
3. Positivism  
5. The Refutation of Realism  
7. Reynold and Hitchcock Prize

2. Man against Darkness  
4. Some Misinterpretations of Empiricism  
6. American Council of Learned Societies

استیسی در کتاب زمان و سرمدیت (لازماتی) که جستاری در فلسفه دین است قائل است که همه گزاره‌های ناظر به واقع (و در واقع هر چه که بتوان به نحو استدلالی در قالب مفاهیم بیان کرد) تنها به نظام زمانی اموری که به نحو طبیعی‌گرایانه تفسیر می‌شوند دلالت دارند. او معتقد است که هر قضیه‌ای به این مضمون که **خدا الف است کاذب است**، همان‌گونه که این گزاره که **خدا الف نیست**، نیز کاذب است. با این همه، زبانی را که درباره خدا به کار می‌بریم می‌توان «به نحو نمادین» به کار برد و نه به نحو حقیقی؛ می‌توانیم بگوییم که پاره‌ای از گفته‌های نمادین، مادام که برانگیزنده حالتی از یک تجربه و حال دینی‌اند، یا آن سنخ کلماتی (مانند «عشق»، «بهجت» و «صلح و صفا») را به کار می‌برند که عموماً کسانی که صاحب حال و تجربه عرفانی شده‌اند، به کار برده‌اند، نسبت به گفته‌های دیگر مناسب‌ترند. لیکن چنین گفته‌هایی «شهودی»‌اند و نه «مفهومی». در این صورت، آیا «خدا» صرفاً نامی برای یک تجربه یا حال عرفانی نیست؟ استیسی گاهی به این مطلب اشاره می‌کند، درست همان‌گونه که (به نحوی تأییدآمیز) می‌گوید: «نیروانه» نه اهمیت و اعتبار دینی دارد و نه اهمیت و اعتبار مابعدالطبیعی، لیکن نامی است برای اشاره به حالتی از حالات قدیس. مع الوصف، مدعای اصلی این جستار این است که تجربه عرفانی، نقطه تلاقی دو نظام، نظام زمانی و نظام سرمدی است. وی با طرح مسئله حال یا تجربه عرفانی احتجاج می‌آورد که طبیعی‌گرایی و عرفان، یا به تعبیر او الحاد و توحید، دو وجه یک حقیقت‌اند و باید هر دو را پذیرفت، چرا که خدا هم وجود است و هم لاوجود، هم آیس سرمدی است و هم لیس سرمدی. خدا در قالب مفاهیم نمی‌گنجد و در تجربه شهودی که در آن تمایزات راهی ندارد، شناخته می‌شود. عارف در هر دو ساحت می‌زید و واکنشش در نهایت سکوت در پیشگاه خدایی است که می‌توان گفت که نیست، همان‌گونه که به حق می‌توان گفت که هست.

استیسی در این اثر به دو مرتبه زمان و لازمان قائل است و معتقد است که عرفا در کشف و شهودهای عرفانی خود به مرتبه لازمان وارد می‌شوند. به نظر وی علم به مرتبه زمانی تعلق دارد و زبان آن لامحاله توصیفی است اما دین متعلق به مرتبه لازمان و زبان آن تحریکی یا برانگیزاننده است. به دیگر سخن، وی زبان دین را زبانی نمادین یا رمزی می‌داند که نقش و کارکرد آن نه توصیف امر واقع، آن‌گونه که در علم به کار می‌رود، بلکه برانگیختن تجارب و احوال عرفانی است که در اعمال وجود ما با شدت و ضعف کمتر یا بیشتر وجود دارند. اگر زبان دین را مانند زبان علم و فلسفه توصیف و حکایت از امر واقع بدانیم، تعارض و ناسازگاری دین با علم و قواعد منطقی امری گریزناپذیر می‌نماید.

\*\*\*

در اینجا لازم است که مراتب سپاس و قدردانی خود را نسبت به آقای دکتر شمالی، که درخواست بنده را اجابت نمودند و روگرفت نسخه‌ای از این کتاب را که، مع‌الأسف در کتابخانه‌های ایران وجود نداشت، با جستجو و زحمت فراوان در کتابخانه یکی از دانشگاه‌های انگلستان یافته بودند و برای بنده ارسال کردند ابراز دارم. سپاسگزاری از جناب آقای دکتر سید مصطفی ملکیان و جناب آقای دکتر حسینعلی شیدان‌شید که هر دو از سر بزرگواری کل اثر را از نظر گذراندند و با راهنمایی‌ها و پیشنهادهای ارزشمند خود مترجم را یاری رساندند بر عهده ماست.

در خاتمه از جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید ابوالحسن نواب، ریاست محترم دانشگاه ادیان و مذاهب در قم و سایر دست‌اندرکاران محترم این دانشگاه که انتشار این اثر را بر عهده گرفتند سپاسگزاری می‌کنم و مزید توفیق همه کسانی را که در راه خدمت به فرهنگ و ادب اسلامی می‌کوشند، از خداوند مسألت دارم.

قم، زمستان ۱۳۸۷



## دیباچه

این کتاب، با اینکه تلاشی برای بیان ماهیت بنیادین دین است، درصدد است که به بزرگ‌ترین معضل معنوی جهان نوین، یعنی تعارض بین دین و فلسفه طبیعی‌گرایی نهفته در علم نیز بپردازد. تعارض بین علم و دین را عموماً به معنای ناسازگاری میان کشفیات خاص علم و جزئیات<sup>۱</sup> خاص دینی (تعبدیات) گرفته‌اند؛ برای مثال، ناسازگاری میان تکامل انواع و «خلقت خاص» انسان، بین زمین‌شناسی و نخستین ابواب سفر تکوین، و بین نقادی کتاب مقدس و الهام‌آمیز بودن کتاب مقدس. و هنگامی که گفته می‌شود، همان‌گونه که امروزه غالباً گفته می‌شود، که دوران مبارزه علم با دین به سر آمده است، ظاهراً مراد این است که خوشبختانه مباحثی از این دست هم‌اکنون عمدتاً به دست فراموشی سپرده شده‌اند. اما تعارض واقعی، تعارضی که خاتمه نیافته است، هرگز درباره این امور نبوده است. این تعارض بسیار عمیق‌تر بوده است و هست. این تعارض به تضاد و تقابل بین دو دیدگاه عام ناسازگار در باب جهان ارتباط دارد. دیدگاه نخست همانا نگرش به جهان به منزله یک نظام اخلاقی و الهی است که در نهایت تحت سیطره نیروهای معنوی قرار دارد و دیدگاه دوم، که از علم

---

1. dogmas

برگرفته شده، اما خود جزئی از هیچ علمی نیست، نگرش به جهان به منزله جهانی است که به طور کامل تحت سیطره نیروها و قوانین طبیعی ای قرار دارد که یکسره نسبت به آرمان‌های اخلاقی و معنوی بی‌اعتناست. تا آنجا که به جهان نوین مربوط می‌شود، این تعارض که به عصر نیوتن<sup>۱</sup> باز می‌گردد، همچنان در اوج خود قرار دارد و بسیار بعید است که به خوبی و خوشی فیصله یابد؛ و زهی خیال باطل اگر کسی گمان کند که فیزیک جدید دوران معاصر پرتوی بر آن می‌افکند. اولین متفکر بزرگ جهان معاصر که اهمیت حقیقی آن را درک کرد، ایمانوئل کانت<sup>۲</sup> بود که فلسفه‌اش - دست‌کم در یکی از وجوه بسیارش - تلاشی برای یافتن نوعی مصالحه و آشتی بین آن دو بود. کانت اوقات خود را برای جنبه‌های سطحی این مسئله به هدر نداد، بلکه یگراست به سراغ ریشه‌های این مطلب، یعنی به سراغ مسئله جهان‌بینی‌های متعارض، رفت. لیکن، پس از وفات کانت الاهی‌دانان و مخالفانشان باز بر سر مسئله معجزات و قدمت زمین به جرّ و بحث پرداختند. کتاب حاضر بسیار به کانت وامدار است، هر چند راه‌حل ارائه شده با راه‌حل کانت تفاوت می‌کند.

البته، راه‌حل ارائه شده، راه‌حل بدیعی، به این معنا که به هیچ سنخ تفکر دینی - فلسفی از پیش مشهور و شناخته شده‌ای متعلق نباشد، نیست. اگر این‌گونه می‌بود، امکان اینکه راه‌حل صوابی باشد کمتر بود. آن تفکر بنیادینی که این راه‌حل درصدد است چه‌بسا به شیوه نسبتاً جدیدی از کار درآورد این است که هر تفکر و کلام (بیان) دینی‌ای کاملاً نمادین (رمزی)<sup>۳</sup> است و این بینش شاید به قدمت خود دین باشد. در روزگار

۱. Issac Newton (۱۶۴۲-۱۷۲۷) فیزیک‌دان، ریاضی‌دان و فیلسوف انگلیسی. م.

۲. Immanuel Kant (۱۷۲۴-۱۸۰۴) فیلسوف بلندآوازه آلمانی. م.

3. symbolic



خود ما این بینش بر آثار استاد تیلش<sup>۱</sup> سایه افکنده است و در دوران پیش از او این بینش را در آثار اشلایرماخر<sup>۲</sup> و، به گمان من، حتی در آن رکن راست‌اندیشی کاتولیک، یعنی در آثار توماس آکوئیناس<sup>۳</sup> می‌یابیم. شاید من در اینجا باید درباره ارتباط این کتاب و مقاله‌ای که در آتلانتیک مونثلی<sup>۴</sup> در ماه سپتامبر ۱۹۴۷ تحت عنوان «انسان بر ضد ظلمت» منتشر کردم، مطلبی بگویم. زیرا آن مقاله را به منزله مقاله‌ای الحادی - هر چند ترجیح می‌دهم که از آن به مقاله‌ای در تأیید و تصدیق طبیعت‌گرایی تعبیر کنم - به طور گسترده مورد انتقاد قرار دادند، در حالی که کتاب حاضر دفاعیه‌ای درباره دین است. می‌پرسند که چگونه چنین امری امکان‌پذیر است؟ من چندان مشتاق نیستم که از ثبات رأی خود دفاع کنم - زیرا تغییر عقیده دادن جرم نیست - اما در واقع این عدم ثبات رأی، مادام که عدم ثبات رأیی در کار باشد، بسیار کمتر از آن است که در بادی نظر می‌نماید. زیرا من در این کتاب از طبیعت‌گرایی سر سوزنی عقب نشینی نمی‌کنم. برعکس، بر آن به طور کامل از نو صحه می‌گذارم. لیکن، جدّ و جهد می‌کنم که آن نیمه دیگر حقیقت را که هم‌اکنون گمان می‌کنم طبیعت‌گرایی از آن بی‌بهره است، بدان بیفزایم. اینکه چگونه ممکن است طبیعت‌گرایی و دین - یا اگر بهتر می‌پسندید، الحاد و توحید - صرفاً دو وجه یک حقیقت باشند، مانند این مسئله است که چگونه خدا می‌تواند هم وجود و هم لاجود باشد، همان‌گونه که یکی از کهن‌ترین نگرش‌های دینی و عرفانی اعلام می‌دارد که خدا هم وجود و هم لاجود است، یا این

۱. [Paul] Tillich (۱۸۸۶-۱۹۶۵) الاهی‌دان و فیلسوف پروتستان متولد آلمان. م.

۲. [Friedrich] Schleiermacher (۱۷۶۸-۱۸۳۴) الاهی‌دان و فیلسوف آلمانی. م.

۳. [St. Thomas] Aquinas (۱۲۲۵-۱۲۷۴) فیلسوف و متکلم مدرسی ایتالیایی. م.

4. *Atlantic Monthly*

مسئله که چگونه می‌تواند هم آیس سرمدی<sup>۱</sup> و هم لیس سرمدی<sup>۲</sup> باشد، همان‌گونه که بومه<sup>۳</sup> تصریح کرده است. و تلاش برای حلّ و فصل این مسئله، تا آنجا که از عقل بشری ساخته است، یکی از موضوعات اساسی این کتاب است. بنابراین، لازم است خواننده این کتاب را برای توضیحات بیشتر درباره این موضوع به بخش اصلی خود کتاب ارجاع دهم. بعد از کانت، خود را بیشتر و امدار کتاب اندیشه امر قدسی<sup>۴</sup> رودلف اُتو<sup>۵</sup> می‌دانم تا هر کتاب دیگری. همچنین متأثر از کتاب آرویندو<sup>۶</sup> موسوم به الوهیت حیات<sup>۷</sup> بوده‌ام. اشارات و ارجاعات به عرفان یهودی را در فصل دوم و امدار استاد والتر کاوفمان<sup>۸</sup> و اشاره‌های به عرفان اسلامی را مدیون آقای فدلو شحادی<sup>۹</sup> هستم. همچنین رهین منت افراد بسیار دیگری هستم که از بس زیادند ذکر نام آنها در اینجا امکان‌پذیر نیست. در متن خود کتاب از شمار اندکی از آنان قدردانی کرده‌ام و بی‌گمان بسیاری دیگر از نظر خواننده پنهان نخواهند ماند.

نقل قولی که از قطعه شعر چهارچهارگانی (*Four Quartets*) اثر تی. اس. الیوت<sup>۱۰</sup> در فصل پنجم آوردم با اجازه از شرکت هارکورت و بریس است. دابلویو. تی. استیس

پرینستون، نوامبر ۱۹۵۱

1. *Eternal Yea, the*

2. *Eternal Nay, the*

۳. [Jacob] Böhme (۱۵۷۵-۱۶۲۴) حکیم و عارف آلمانی. م.

4. *The Idea of the Holy*

۵. Rudolf Otto (۱۸۶۹-۱۹۳۷) الهی‌دان و فیلسوف پروتستان آلمانی. م.

۶. Sri Aurobindo (۱۸۷۲-۱۹۵۰) فیلسوف، شاعر و عارف هندی. م.

7. *The Life Divine*

8. Professor Walter Kaufmann

9. Fadlou Shehadi

۱۰. T(homas) S(tearns) Eliot (۱۸۸۸-۱۹۶۵) شاعر، منتقد و نمایشنامه‌نویس انگلیسی، متولد آمریکا. م.



## ماهیت دین

«دین» به تعبیر وایتهد،<sup>۱</sup> «بینش نسبت به چیزی است که وراي، در پشت، و درون سیالۀ گذرای امور عاجل قرار دارد؛ چیزی که واقعی است و با این همه در انتظار واقعیت یافتن است؛ چیزی که امکان بعید است، و با این همه یکی از بزرگترین امور واقع حاضر است؛ چیزی که به همهٔ امور گذرا معنا می‌بخشد و با این وصف به طور فهم در نمی‌آید؛ چیزی که تملک آن خیر نهایی است و با این وصف دست‌نیافتنی است؛ چیزی که مطلوب نهایی و [در عین حال] طلب نابفرجام است.»<sup>۲</sup>

روشن است که این کلمات شهود<sup>۳</sup> مستقیم نویسنده را بیان می‌کند. این کلمات از درون تجارب و احوال دینی خود او به بیرون تراویده است و از این رو، هنگامی که آنها را می‌خوانیم، ژرفای وجود ما را به هیجان درمی‌آورد. آنچه او بر زبان می‌آورد، نسخه‌بدل رنگ و روباخته و بی‌جلوه‌ای از چیزی که شخص دیگری احساس کرده، اندیشیده یا دیده است، نیست، همان‌گونه که بیشتر گفتارهای دینی آن‌گونه‌اند – خشکه

---

۱. Alfred North Whitehead (۱۸۶۱-۱۹۴۷) ریاضی‌دان، منطق‌دان و فیلسوف انگلیسی که پس از ۱۹۲۴ در آمریکا می‌زیست. م.

2. A. N. Whitehead, *Science and the Modern World*, Chapter 12.

3. intuition

عبارات پیش پا افتاده و فرسوده‌ای که با تکرارهای طوطی‌وار به ابتدال گراییده‌اند، هر چند این امور بی‌جان و بی‌روح نیز زمانی از روح و جان سرزندهٔ انسانی به‌گونه‌ای دست نخورده و تر و تازه منبعث شده‌اند. در میان تپه‌های خشک تجارب و احوال انسانی، در گوشه و کنار، ذخایر بی‌پایان و سرچشمه‌های کشف و شهود دینی وجود دارد. این سرچشمه‌ها و ذخایر بی‌پایان منابع اصیل هر دینی هستند. همواره لازم نیست که این منابع دارای عظمت و شکوه فراوان باشند. ممکن است جویبارهای کوچکی از احساسات باشند. یا ممکن است روده‌های عظیم فرحبخشی را پدید آورند که در طی قرن‌ها جریان داشته باشند. اما همیشه این رودها، بزرگ یا کوچک، مَهر اصالت و اعتبار خودشان را با خود دارند. آنها به هیچ دلیل یا توجیه خارجی نیازی ندارند. در حقیقت پذیرای هیچ دلیل یا توجیه خارجی نیستند. به آنها شناخت داریم، زیرا آن خدای در وجود ما به محض شنیدن ندای آن خدایی که در وجود دیگری است، با صدای بلند، به آن لَبیک می‌گوید. دریا به دریا صلا می‌زند.

کلمات و ایتهد از این دست است.

ابتدا به خصیصهٔ تناقض‌آمیز این کلمات توجه کنید. به آن «چیزی» که این کلمات از آن حکایت می‌کنند ویژگی‌های متضادی نسبت داده می‌شود که کمتر می‌توانند، اگر اصلاً بتوانند، از چنگِ تناقضی صریح بگریزند. هر عبارتی موازنه‌ای بین چنین محمول‌های متناقضی است. معنای آن دست‌کم این است که متناقض‌نمایی و تناقض دقیقاً ذاتی خود آن «چیز» اند.

به کلمات پایانی نیز توجه کنید. آن چیزی که آدمی به منزلهٔ مطلوب نهایی خویش جستجو می‌کند «طلب نابفرجام» است. این تعبیر، تعبیری مسامحه‌آمیز، نوعی مبالغه و استعمال غیردقیق کلمات نیست. خطابی و لاف‌زنانه نیست. اگر این عبارت در آغاز این قطعه آمده بود، امکان داشت